

بررسی تخریب محیط زیست و منابع طبیعی از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران اسماعیل فولادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

چکیده

جرایم زیست محیطی از مباحث مهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد. بحث محیط زیست و مسائل زیست محیطی ارتباط مستقیم با حیات و زندگی جمعی انسان دارد؛ زیرا هر نوع عارضه و اثر منفی بر محیط زیست، اثر زیانبار بر حیات انسانی دارد. از این در این مقاله بر آن هستیم که جرائم زیست محیطی و مجازات آن‌ها و همچنین آیین دادرسی کیفری رسیدگی به این جرایم از منظر حقوق داخلی مورد بررسی قرار داده شود. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. از آن جایی که بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی جدید علی‌الخصوص مواد عمومی آن تغییر کرده است، لذا در این مقاله تلاش شده موضوع ماده ۶۸۸ را با مواد عمومی قانون جدید مورد بررسی قرار داده شود. همچنین قوانین مرتبط با ماده ۶۸۸ را در کنار هم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: جرم، تهدید، بهداشت عمومی، محیط زیست، انسان.
پژوهشگاه علوم و فنون تربیتی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در دین مبین اسلام در کنار دستورات عبادی و فقهی، در زمینه بهداشت و نظافت نیز تعلیمات فراوانی به چشم می‌خورد علاوه بر تأکید دین اسلام بر رعایت نظافت و بهداشت، پیشوایان معصوم نیز با کردار و رفتار خود عملاً مشوق این صفات حسنه بودند. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که دستورات بهداشتی و نیز تعلیمات دین اسلام در مورد درمان بیماران و پیشگیری از بیماری‌ها غالباً جنبه اخلاقی دارد و به صورت آداب و اخلاق اجتماعی یا فردی در کتاب‌های اخلاق ذکر شده است. به عبارت دیگر جرایم بهداشتی، درمانی و دارویی در حقوق جزای اسلامی به تصریح بیان نشده و مجازات مشخصی نیز برای آن



تعیین نشده است. بر همین اساس امروزه نیز این جرایم در شمار جرایم تعزیری قلمداد می‌شود. با وجود این، به دلیل اهمیت مسأله بهداشت و سلامت جامعه و نیز امر درمان و مداوای بیماران، نظارت بر این امور از صدر اسلام مورد توجه خلفا و زمامداران اسلامی قرار گرفت. محیط زیست به معنای عام شامل کل منابع طبیعی تجدید شونده شامل جنگلها، مراتع، منابع آبی و... بوده و طیف وسیع و گسترده ای از تعاریف تخصصی مربوطه را در بر می‌گیرد که همین امر در تفسیر ماهوی مربوطه به معنای قانونی محیط زیست اشکال‌هایی را بوجود آورده چرا که همین متن حقوقی محیط زیست را بصورت جامع و مانع تعریف نکرده است و قوانین موجود تعریفی از آن ارائه نداده‌اند بلکه در آنها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی شهر و مناظر سخن گفته است که در این راستا می‌توان به برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و... اشاره نمود. جرم زیست محیطی هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می‌شود. حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی عمیقاً تحت تاثیر آنها قرار گرفته و به همین علت درک مسایل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است. در حقیقت در حقوق محیط زیست از یک سری نوآوری بدیع سود جست و به همین سبب خود را عندالزوم با تکنیک‌های جدید تطبیق می‌دهد و قوانین و مقررات نظارتی در زمینه حفظ محیط زیست و منابع طبیعی به شکل دستورهای تکنیکی و در قالب یک سری استانداردهای خاص بیان می‌گردد. با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان‌کننده کلیه فعالیت‌ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان می‌باشد این نتیجه حاصل می‌گردد که حقوق محیط زیست علاوه بر تحت پوشش قرار دادن تمام رشته‌های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل و آن قسمت از حقوق را که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمامی قسمت‌های حقوقی وارد کند را نیز در بر می‌گیرد؛ به همین دلیل حقوق کیفری محیط زیست جزئی یا کلی شامل بخش‌های متعدد از مقرراتی می‌شود که یا با ملاک‌ها و محک‌های تاسیس و یا با محک‌های مادی و تعریف محیط زیست تاکید دارند. بی‌تردید اهمیت و جایگاه حقوق محیط زیست به بهترین شکل آن در اصل پنجاهم قانون اساسی متبلور شده و پیام‌آور این مهم می‌باشد که مسایل زیست محیطی یک امر کاملاً فرابخشی بوده و می‌بایست کلیه آحاد جامعه علی‌الخصوص سازمان‌ها و دستگاه‌ها هر یک به فراخور توان و کارائی تشکیلات خود در حفظ و نگهداری از



محیط زیست بعنوان یک وظیفه عمومی از هر فعالیتی که با آلودگی و یا تخریب غیرقابل جبران محیط زیست همراه باشد.

حفظ محیط زیست و توجه به مسائل زیست محیطی به خصوص در دوران جنگ یکی از موضوع‌های مهم جهانی و دغدغه برانگیز بشر معاصر و مدافعان حقوق بشر است؛ زیرا بهره‌برداری از طبیعت، حفظ کرامت انسانی و تحقق امنیت و عدالت، توسعه و رشد نسل‌های آینده رابطه بسیار نزدیک با حفظ محیط زیست و مسائل زیست محیطی دارد، و هر گونه آسیب و تخریب طبیعت بر زندگی سالم انسانی اثرگذار است. چنان که امروز همه شاهدند که افت شدید مسائل زیست محیطی ابعاد گوناگون زندگی بشر را به خطر انداخته است. این خطر زمانی شدت بیشتری یافت که دو جنگ ویرانگر جهانی در زندگی بشر معاصر رخ داد و استفاده از انواع سلاح‌های مدرن با قدرت تخریبی بسیار بالا با شیوه‌ها و تاکتیک‌های غیر بشری، حیات طبیعی انسان‌ها را به مخاطره افکند. امروزه همه اذعان دارند که آثار سوء جنگ‌ها بر طبیعت و محیط‌زیست از هر عامل دیگر خطرناک‌تر است؛ زیرا در جنگ‌ها حس ضربه زدن و پیروزی یک طرف منازعه بر طرف دیگر و تمایل شدید به انتقام جویی با استفاده از سلاح‌های ویرانگر، به تدریج به وجود می‌آید و با دادن تلفات و ضایعات، این حس روز به روز شدت بیشتری می‌یابد تا جایی که دو طرف منازعه هر گونه پایبندی به اصول انسانی و بشری را فراموش می‌کنند، و بی رحمانه‌تر از حیوانات درنده به جان یکدیگر حمله می‌برند؛ حتی زندگی و حیات طرف‌های به دور از منازعه را به خطر می‌اندازند و موجب زیان عظیم بر محیط زیست می‌شوند؛ تا جایی که خسارت جنگ‌ها بر زندگی انسان و محیط زیست، بشر را به تدریج وادار کرد تدبیری بسنجد و راهکاری بجوید، تا شاید بتواند جنگ‌ها را تا حدودی مهار کند و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و تاکتیک‌های غیر انسانی را محدود کرده و طرف‌های درگیر را ملزم به مراعات حال زنان، کودکان، سالخورده‌گان، اسیران، مجروحان و غیر نظامیان کند و مانع تخریب محیط زیست بشود. از این رو، بحث حمایت از محیط زیست در جنگ‌ها جزو مسائل و موضوع‌های حقوق بین‌الملل و حقوق بشر قرار گرفت، و در این زمینه فعالیت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی به وجود می‌آمد. بررسی سابقه قانون‌گذاری در خصوص مسائل زیست محیطی در کشورها حاکی از آن می‌باشد که اولین قوانین و مقررات مرتبط مانند مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ قانون شکار مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴ و قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ صرفاً در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که بطور نسبی در خصوص کلیه ابعاد محیط زیست که تغییرات ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت به تصویب رسید قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ می‌باشد خودداری نمایند. در



قانون برنامه اول توسعه جهت جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست و جبران خسارت وارده راهکار خاصی در قالب تبصره ۱۳ این قانون لحاظ گردیده، بطوریکه یک در هزار در آمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و کارگاه‌های کشور به امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون اول توسعه، موضوع در بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و معرفی آن در موارد معین تکرار گردید.

بیان مسأله

اصولاً ارائه تعریف جامع و مانع واژگان و مفاهیم، کار دشواری است؛ «محیط زیست» در معنایی که امروزه به کار می‌رود؛ در بسیاری از زبان‌ها، اصطلاحی نو و تازه است. کاربرد آن در زبان فرانسه به قرن دوازدهم باز می‌گردد. (کیس، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵) این اصطلاح از آغاز دهه ۱۳۶۰ کاربردی مستمر و مؤثر پیدا کرده و در خلال همین دهه کلمات جدیدی برای بیان این مفهوم در زبان‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته این امر نشان از سابقه تقریباً ۳۰ ساله توجه بخش عظیمی از جهان، به طور همزمان، نسبت به پدیده‌ای تازه است که پیش روی جهان مدرن قرار دارد. بعضی از نویسندگان در مورد ارائه مفهومی دقیق از محیط-زیست و امکان ارائه تعریفی جامع، حقوقی و واحد از آن، اظهار تردید نموده‌اند. (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۶، ص ۱۴) مفهوم محیط زیست نیز در کشورهای مختلف با توجه به اهمیتی که هر کشور برای عناصر مشخص زیست محیطی قائل است می‌تواند متفاوت باشد؛ به عنوان مثال در یک کشور حمایت از آب‌های دریایی و مسأله صید از اهمیت خاصی برخوردار است و محیط زیست با این رویکرد و بر اساس محیط زیست دریایی تعریف می‌شود و در کشور دیگر حمایت از جنگل‌ها و مراتع حائز اهمیت می‌باشد، لذا با تأکید بر عنصر جنگل و مرتع، محیط زیست تعریف می‌گردد. با این وجود در حقوق ایران تعریف دقیقی از محیط زیست صورت نگرفته است. مفهوم لغوی واژه Environment، محیط، احاطه کننده اطراف و دور و بر می‌باشد. که اصطلاحاً Environment The برای بیان مفهوم محیط زیست به کار گرفته شده است (آریان پور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۳۲؛ p. 2000, Hornby 421). در فرهنگ ما واژه طبیعت به این مفهوم نزدیک است با این تفاوت که طبیعت تنها ناظر به هر چیزی است که دست بشر در ایجاد آن دخالت نکرده باشد. (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۶، ص ۱۰) در واقع اصطلاحات محیط‌زیست با اصطلاح بیوسفر (زیست‌کره) کاملاً مرتبط می‌باشد؛ بیوسفر یا لایه حیاتی که «یونسکو» خصوصاً آنرا به کار می‌برد با یکی از وسیع‌ترین تعاریف محیط‌زیست مطابقت دارد و محیط‌زیست اصلی انسان را تشکیل می‌دهد و عبارت است از محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه حیات در آن جریان دارد. (کیس، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵) برای ارائه تعریف انسان محوری از محیط زیست، می‌توان گفت: «محیط‌زیست، به تمامی محیطی اطلاق می‌شود که



نسل انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد. (میرقوام، ۱۳۷۵، ص ۳) و به زبان ساده محیط زیست عبارت است از «هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبزیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده شامل کوچه، خیابان، ساختمان (اعم از تاریخی و عادی و کارخانه) و غیره». (بنان، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۵) همچنین در تعریف محیط زیست آمده است که «محیط زیست عبارت است از محیطی که فرآیند حیات را فراگرفته و با آن برهم کنش دارد. محیط زیست، از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین، یعنی زیست کره (بیوسفر)، را فرا می‌گیرد». (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱) در نهایت با توجه به تعریف حقوقی و نسبتاً جامع مورد استفاده در کنوانسیون مسئولیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست، مصوب شورای اروپا، محیط زیست به طور کلی شامل موارد زیر می‌شود: (کیس، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۷۰۶) منابع طبیعی اعم از تجدیدپذیر و غیرقابل تجدید، مانند: هوا، آب، خاک و کلیه جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل بر یکدیگر. اموال و دارایی‌هایی که جزء میراث فرهنگی می‌باشند. مناظر و چشم اندازهای ویژه، با نگاهی گذرا به تاریخ ادیان، احترام فراوان و حتی گاهی سرسپردگی و پرستش مظاهر طبیعت در ادوار مختلف، به روشنی مشاهده می‌شود. از حدود سی سال پیش با اوج گیری معضلات و مباحث زیست‌محیطی و احساس نیاز به تقویت عوامل فرهنگی به عنوان ابزاری کارآمد، بحث‌های مربوط به دین و محیط زیست در محافل علمی و تخصصی مورد توجه قرار گرفت و در کنار اقدامات و حمایت‌های حقوقی مطرح گردید. در این خصوص کنفرانس‌های متعددی جهت حل بحران‌های زیست محیطی با مشارکت و تقویت فرهنگی دینی برگزار گردیده است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به کنفرانس بین‌المللی مسکو (۱۹۹۰ م) با موضوع حل بحران‌های زیست محیطی از طریق پیوند علم و دین و همچنین کنفرانس‌های دانشگاه هاروارد بین سال‌های (۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸) و سه کنفرانس آکادمی هنرها و علوم کمبریج، سازمان ملل و موزه تاریخ طبیعی در نیویورک که به جمع بندی نتایج ده کنفرانس هاروارد می‌پردازد، اشاره نمود. در تهران نیز کنفرانس بین‌المللی با عنوان «دین و دنیای معاصر» برگزار گردید و علمای ادیان مختلف به طرح پاره‌ای از دیدگاه‌های مربوط به محیط زیست و اخلاق زیست محیطی پرداختند و نقش ادیان در رابطه با این موضوع را مورد بررسی قرار دادند. (رشاد، ۱۳۸۱، صص ۲۵-۲۹) در کشور ما علاوه بر صبغه فرهنگی، آموزه‌های دینی، پایه و اساس حقوق را تشکیل می‌دهد و موازین اسلامی زیربنا و مبنای نظام حقوقی می‌باشد و به موجب اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و



قوانین و مقررات دیگر حاکم است از این رو نگرش نسبت به محیط زیست از منظر آیات قرآن و آموزه‌های اسلام به عنوان مبنای حقوقی و فرهنگی حائز اهمیت خواهد بود. در حال حاضر به دلیل تداوم بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر یافته و به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش معضلات زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است اکنون بسیاری از طرفداران محیط زیست بر این اعتقادند که «سیاست زیست محیطی» کارآمد، نیازمند جامعیت و حمایت‌های دینی و اخلاقی است؛ چرا که در تعالیم ادیان اسلام، یهود، مسیح، هندو، زردشت و... احترام به طبیعت و همه‌ی عالم وجود، به عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه و عنایت است. (کیس، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۷۰۸) از آنجا که اسلام اصول و مبانی فراگیر و جامعی دارد از جمله این اصل که «خداوند در کره زمین عقل و خرد را به عنوان یک لزوم ذاتی به بشر عطا کرد، از این رو بشر اداره کننده در کره زمین است که باید از روی صداقت از آن نگهداری و حفاظت کند» توجه به این نکته نیز لازم است که موازین اسلامی جزئی از فرهنگ و زیربنای حقوق کشور ایران است؛ از این رو توجه به نگرش اسلام در خصوص مسائل زیست محیطی از بعد نظری و علمی حائز اهمیت است. هدف تعالیم اسلام ارائه سیستمی از ارزش‌هاست که ملحوظ داشتن آن، مسیر تکاملی عالم وجود و انسان را تضمین کند. در این راستا رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و محیط تبیین می‌گردد. این سیستم در برگیرنده-ی مباحث مربوط به محیط زیست، از جمله نحوه‌ی استفاده از منابع، نحوه‌ی ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر، نحوه‌ی نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آنها بوده و نه تنها برای انسان، بلکه برای تمامی موجودات دیگر از جمله حیوانات، گیاهان و حتی جمادات حقی قائل است. آئین اسلام، حتی به حفظ محیط‌زیست در شرایط جنگی نیز توجه داشته و تخریب و انهدام محیط زیست، کشتار حیوانات اهلی، استعمال مواد سمی و شیمیایی و مانند آن در زمان جنگ منع کرده است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸) جامعیت اسلام به عنوان دین خاتم، رسالت ارائه‌ی برنامه‌ای جامع برای سعادت و تکامل مادی و معنوی فرد و جامعه را بر عهده دارد. خداوند متعال نیز بر این معنا که از بیان هیچ چیز در قرآن فروگذار نشده و بیان کامل هر چیزی در آن آمده است، تأکید دارد، لذا وظیفه‌ی ما تلاش و جهد جهت درک و استنباط اصول و احکام در زمینه‌های مختلف است. «اسلام در کلیه شئون و روابط انسانی اعم از روبرو الهی و بشری، بلکه حتی در چگونگی ارتباط انسان با حیوانات و دیگر اشیاء دخالت کرده و برای همه آنها مقرراتی وضع نموده است؛ لیکن این بدان معنی نیست که برای هر موضوع با عنوان ویژه و متداول امروزی آن، حکم خاصی مقرر داشته است، بلکه احیاناً کلیات و یا اصول و قواعدی وضع نموده که می‌توان از آن حکم موضوع مورد نظر را به دست آورد. مسأله‌ی محیط زیست هم از همین قبیل است به یقین در هیچ یک از منابع اسلامی به عنوان



محیط زیست حکمی مطرح نشده است ولی بدون تردید درباره آب، خاک، زمین، هوا، پاکی و ناپاکی، نظافت، آلودگی، طوفان، باد، گرد و خاک، آتش سوزی، و مسائلی از این قبیل در آیات و احادیث و سایر منابع، احکام زیادی وجود دارد که به کمک آنها می‌توان مقررات دقیقی برای مسائل محیط زیست به دست آورد. متأسفانه به علت قصور و یا شاید به جهت اینکه محققان اسلامی از آغاز طرح این عنوان تا این اواخر خود را نیازمند تحقیق در این مسائل نمی‌دیدند؛ تاکنون در این مورد از نظر اسلامی تحقیق و پژوهشی انجام نگرفته است.» (گرچی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۱) آیات متعددی از قرآن کریم به مظاهر مختلف طبیعت با عنوان نشانه‌ها [آیات] بی از خداوند و جلوه‌ای از قدرت او می‌پردازد، حتی خداوند به آنها قسم یاد می‌کند و انسان را به تدبیر و تأمل در این آفرینش حکیمانه فرا می‌خواند. بحث از طبیعت و محیط زیست در آیات قرآن گسترده است اما عصاره و خلاصه کلام که می‌تواند به خوبی پیوستگی و ارتباط حکیمانه انسان با محیط را بیان نماید در این گفتار به نیکی متجلی می‌شود: خداوند متعال به صراحت می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱) او خدائی است که شما را از زمین بیافرید و آبادانیش را به شما واگذاشت. و ضمن تأکید بر این که نظام هستی بر اساس صلاح آفریده شده، در موارد متعددی از ایجاد فساد در این نظام نهی می‌کند. در جایی دیگر نیز پس از تجویز استفاده از رزق خداوندی، می‌فرماید: در روی زمین فتنه و فساد نکنید. طبیعی است که استفاده نابخردانه از مواهب طبیعت و زیاده روی در بهره‌برداری از آن، یا آلودگی محیط، از موارد فساد در روی زمین خواهد بود. بنابراین انسانی که خداوند او را جانشین خود معرفی می‌کند، می‌بایست جایگاه خود را باز شناسد و با خردورزی و شایستگی این وظیفه را به انجام رساند. احادیث نیز تأکید فراوانی بر اخلاق زیست محیطی و حمایت از محیط زیست وجود دارد که تنها به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌نمایم. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) دین اسلام دین پاکیزگی معرفی و ضمن اینکه پاکیزگی دستور همگانی برای مردم تلقی شده، بهشت را نیز که مظهر پاکیزگی است، مختص به پاکیزگان دانسته است. (حیدری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۹۸) درخت‌کاری، ایجاد فضای سبز و آب روان مورد تأکید آموزهای دینی قرار گرفته است و مسلمانان به این موارد تشویق شده‌اند بر اساس روایتی از پیامبر اکرم (ص) سه چیز سبب روشنی چشم دانسته شده است: نگاه به فضای سبز، آب جاری و روی نیکو. (حیدری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۹۲) در جای دیگر آمده است: هر گاه نهالی در دست شما است و قیامت بر پا می‌شود در آن فرصت کوتاه آن نهال را بکارید. (حیدری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۱۳) در روایت دیگر کاشتن درخت و جاری ساختن قنات و ... در ردیف تعلیم دانش و ساختن مسجد شمرده شده است. (حیدری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۹۷) رسول گرامی اسلام فرمودند سه گروه‌اند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند: کسانی که اماکن عمومی، سایبان‌ها



و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند و کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند و کسانی که سد معبر کرده، مانع عبور عابران شوند. (حرعاملی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۵) در اسلام احکام عامی وجود دارد که با استفاده از آنها می‌توان مسائل جدید را بررسی و تطبیق داد. مهمترین این اصول، اصل لاضرر می‌باشد. این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است. (محقق داماد، ۱۳۶۳، صص ۱۳۳-۱۶۸) طبق این قاعده هیچکس نمی‌تواند فعالیت‌هایی که به زیان دیگری باشد انجام دهد و در صورتی که هر گونه زیانی از او به دیگری وارد شود، گر چه این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد؛ ضامن جبران خسارت وارده شده است، حتی تمسک به اصل تسلیط، «الناس مسلطون علی اموالهم»، تا زمانی امکان پذیر است که بین آن و قاعده لاضرر تعارضی به وجود نیاید در غیر این صورت، اصل لاضرر مرجح است. (محقق داماد، ۱۳۶۳، ص ۱۵۶) بر همین اساس، هر شخصی که با تولید یا مصرف خود باعث آلوده سازی محیط زیست شود؛ از جهت شرعی ضامن است و در مواردی که طرف مقابل او اجتماع یا نسل‌های آینده باشد؛ دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به احقاق حق آنان و جلوگیری از چنین عملی بپردازد. (صادقی و فراهانی، ۱۳۸۲، ص ۴۳) در اصل چهلم قانون اساسی نیز به این قاعده اشاره شده و در حقوق بین‌الملل نیز مفاد آن با تفاوت‌هایی وجود دارد. (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۸، ص ۶۸) علاوه بر اصل لاضرر، موازین دیگری نیز وجود دارد که با استناد به آنها می‌توان مانع اجرای اعمالی شد که باعث تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست می‌شوند بنابراین ثروت‌های عمومی مربوط به همگان هستند و لطمه زدن به آنها حتی در حکومت جور نیز جایز نیست. از این ثروت‌های عمومی و موهبت‌های طبیعت در اسلام به عنوان انفال یاد شده است. یکی دیگر از این موازین امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم علاوه بر اینکه از همگان می‌خواهد عمل صالح انجام دهند؛ از مردم می‌خواهد که دیگران را نیز به عمل صالح و کارهای خوب امر کنند. امر به معروف و نهی از منکر محدود به مسائل خاصی نیست بلکه یک فرهنگ سازنده و «سیاست جنایی مشارکتی» کارا در جامعه اسلامی است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳، صص ۷۷-۱۰۶) از آنجا که یکی از منهیات مهم، لطمه زدن به ثروت‌های عمومی است؛ لذا باید از چنین اعمالی نهی و جلوگیری نمود و به تعبیر قرآن کریم از فتنه‌ای که تنها دامن ستمکاران را نمی‌گیرد، ترسید. بر شبکه حیات، پیوستگی و هماهنگی‌ای حکیمانه حاکم است؛ در این مجموعه هر جزء، نقش تأثیر و ظرفیت خاص خود را دارد. لذا نباید بیش از توان و ظرفیت موجود، تعادل این مجموعه را بر هم زد. متأسفانه با پیشرفت‌های چشمگیر علم و فناوری و پس از انقلاب صنعتی، انسان راه غلبه و یورش به طبیعت را در پی گرفت و تا جایی پیش رفت که اکنون خود را با موضوع معضلی به نام «بحران زیست محیطی» روبرو می‌بیند. حل بحران زیست محیطی نیازمند آگاهی و بینشی



صحیح نسبت به محیط زیست است؛ نگرشی حقوقی که در فرهنگ دینی اسلام بسیار ریشه‌دار تر از رشته‌ای به نام حقوق محیط زیست به عنوان رشته‌ای جوان با عمری در حدود ۳۰ سال است که در خانواده حقوق بین‌الملل متولد شد و رشد و نمو پیدا کرد و حقوق داخلی و ملی کشورهای مختلف را نیز تحت تأثیر قرار داد. حمایت از محیط زیست در آموزه‌های اسلام، به عنوان منبع اصلی حقوق ایران، به روشنی قابل مشاهده است؛ اگر چه این نکته را نیز نباید نادیده انگاشت که تبیین و تنقیح این موضوع به طور همه جانبه، در یک سیاست منسجم و اجرای آن در عمل نیاز به فعالیت علمی بیشتر اندیشمندان اسلامی دارد. امروزه مفهوم حق انسان بر داشتن محیط زیست سالم، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر به رسمیت شناخته شده و مورد تأکید قرار گرفته است و اصول پیشگیری، مشارکت عمومی و توسعه پایدار به منظور حفاظت از محیط زیست تجویز گردیده که آموزه‌های دینی در بردارنده مبانی حقوقی و فرهنگی این اصول، به خصوص دو اصل اول است و حاکمیت اسلامی نیز وظیفه‌ی برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت به خصوص در اجرای مطلوب توسعه پایدار را بر عهده دارد. با توجه به مطالب ذکر شده در این پژوهش برآنیم تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: حدود حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی در فقه اسلامی و حقوق ایران چگونه است؟ مخرب محیط زیست و منابع طبیعی چه مسئولیت‌های از منظر فقه اسلامی و حقوق ایران دارد؟ نقش سیاست زیست‌محیطی در رابطه با حفظ محیط زیست و منابع طبیعی چگونه است؟ آیا «سیاست زیست محیطی» کارآمد، نیازمند جامعیت و حمایت‌های دینی و اخلاقی است؟ نقش احادیث و روایت بر اخلاق زیست محیطی و حمایت از محیط زیست چگونه است؟

پیشینه تحقیق

میرحسینی، (۱۳۸۰) در مورد پیدایش حقوق محیط زیست می‌نویسد: عصر معاصر و به طور مشخص دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را باید آغاز دوره‌ی بیداری و آگاهی گسترده و جهانی در زمینه‌ی محیط زیست دانست؛ به طوری که دیگر به هیچ وجه نمی‌توان مسائل زیست محیطی را نادیده انگاشت. بشر پس از طی سه دوره تعامل با محیط زیست در جوامع شکارچی، جوامع کشاورزی و به طور خاص با انقلاب صنعتی که منشا بسیاری از دگرگونی‌ها در علم و تولید و اختراعات و اکتشافات مختلف است. همراه با انقلاب صنعتی که از حدود سال ۱۷۶۰ میلادی به تدریج آغاز گردید؛ انقلاب‌های فرهنگی - اجتماعی نیز به وجود آمد. پس از کشف طبیعت در این مرحله، مفهوم جدید دگرگون ساختن طبیعت برای کسب انرژی از آن و تبدیل صورتی از انرژی به صورتی دیگر، مهم‌ترین وسیله پیشرفت علم شد. در پی انقلاب صنعتی یک انقلاب اجتماعی نیز شکل گرفت و مفاهیمی همچون برابری اجتماعی، برابری حقوق و برابری معنوی را برقرار



ساخت و طی یک تغییر نگرشی بنیادین، انسانی که تا مدتی پیش تنها ساکن زمین و جزئی از طبیعت بود در این دوره خود را مالک و حاکم بر زمین پنداشت و راه پیشرفت و پیروزی را در غلبه و تسلط بر جهان دانست اگر چه این طریق، تخریب و نابودی بخش‌هایی از محیط زیست را به دنبال داشته باشد.

صادق (۱۳۸۲) در مورد عصر آگاهی در زمینه محیط زیست بیان می‌دارد: پس از تخریب و نابودی گسترده محیط زیست، عصر آگاهی در زمینه ی محیط زیست فرا رسید سر فصل این آگاهی گسترده و جهانی، اندیشه همراهی با طبیعت و در نظر گرفتن ظرفیت های آن به جای غلبه و سیطره محض بر طبیعت است. نسل حاضر به دنبال رفع معضلات زیست محیطی با مدیریت و برنامه ریزی، حمایت قانونی و به طور کلی جایگزینی تکنولوژی و صنایع پاک زیست محیطی به جای تکنولوژی آلاینده و مخرب و همچنین حفاظت خردمندانه از محیط زیست می‌باشد. مسائل زیست محیطی مورد توجه اقشار مختلف، به خصوص فلاسفه، دانشمندان و سیاستمداران است. اغلب شرکت های معتبر در کشورهای پیشرفته نیز توجه به مسائل زیست محیطی را جزئی اصلی از برنامه و مدیریت استراتژیک خود به حساب می‌آورند. در حال حاضر این عقیده ایجاد شده که پس از انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی، اکنون جامعه بشری به «انقلاب محیط زیست» نیازمند است و به نظر می‌رسد برای اولین بار، محیط زیست به عنوان محور سیاست جهانی مورد توجه قرار گرفته است.

لواسانی (۱۳۷۲) در همین راستا انجمن‌ها و گروه‌ها و سازمان‌های طرفدار محیط زیست؛ موسوم به سبزا یا احزاب تحت عنوان «صلح سبز»، به طور گسترده فعالیت می‌کنند تا توجه مردم جهان را بیش از پیش به واقعیات زیست محیطی و لزوم حمایت از آن در جهت حفظ و استمرار نسل بشر و دیگر موجودات و منابع طبیعی موجود جهان، جلب کنند. کوتاه سخن اینکه، معضلات زیست محیطی که عمدتاً دستاورد جوامع صنعتی و رشد تکنولوژی است با طیف گسترده ای از مسائل همراه است از انواع آلودگی‌ها گرفته تا تخریب مرتع، جنگل و نابود گونه‌های گیاهی و جانوری (به خصوص گونه های نادر و در حال انقراض) فرسایش خاک، رشد جمعیت انسانی و...؛ و این نیست مگر به علت پیوستگی و درهم تنیدگی چرخه‌های حیات بر شبکه حیات همبستگی و هماهنگی حکیمانه ای حاکم است؛ به طوری که در این مجموعه هر جزء نقش و تأثیر خاص خود را دارد. لذا نباید بیش از توان و ظرفیت موجود، تعادل این مجموعه را به هم زد؛ چرا که در غیر اینصورت عواقب ناگوار و جبران ناپذیر این زیاده خواهی، افزون طلبی و فساد دامنگیر همه خواهد شد. علاوه بر این مسائل زیست محیطی، دارای ویژگی‌ها و ابعاد متنوع و گوناگونی بوده و نیازمند مطالعات و همکاری‌های میان رشته‌ای است. محیط زیست با علوم مختلفی مانند اقتصاد، پزشکی، روان



شناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی و جغرافیا ارتباط پیدا می‌کند. بر همین اساس امروزه رشته‌های مرتبط با محیط زیست در حال گسترش‌اند؛ رشته‌هایی نظیر: شیمی محیط‌زیست، اقتصاد محیط‌زیست و مهندسی محیط زیست؛ حقوق نیز به عنوان ضابطه و ابزاری برای برقراری نظم، امنیت و آسایش اجتماع در راستای انجام رسالت خود، پیوند و رابطه‌ای محکم و رو به گسترش با محیط زیست برقرار نموده و نقش مهمی در حمایت و حفاظت از محیط زیست بر عهده گرفته است. در این راستا، پاسخ به عوامل تهدیدکننده‌ی محیط زیست و جرائم زیست‌محیطی به یک نگرش جامع و سیاست مؤثر و منسجم و همچنین فرهنگ‌سازی قوی نیاز دارد. علاوه بر اینکه نگرش و آموزه‌های دینی می‌تواند نقش مهم و بنیادینی در ارائه ی بینش صحیح در تبیین جایگاه محیط زیست و وظیفه انسان در قبال آن ایفا نماید، نظام حقوقی اسلام و موازین اسلامی جزئی از فرهنگ ما و زیربنای حقوق کشور ایران و جهان اسلام است.

انصاری (۱۳۷۸) مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مدنی نیز بر مالکیت و تصرف دولت بر اموال عمومی بر اساس مصالح عمومی و منافع ملی اشاره دارد. بنابراین انفال در عصر غیبت در اختیار ولی فقیه و حکومت اسلامی قرار می‌گیرد تا نحوه صحیح استفاده عموم را از آنها تعیین کند و بهره برداری از آنها را تحت نظم خاصی در آورد؛ از این رو انفال در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عمومی از آن بهره برداری کند. از سوی دیگر فراهم کردن زمینه رفاه عمومی از وظایف اصلی دولت است با توجه به اینکه داشتن محیط زیست سالم یکی از مؤلفه های برقراری رفاه در جامعه به شمار می‌رود این اصل را اقتضا می‌کند؛ تا با هر فعالیتی که به گونه‌ای، رفاه عمومی را مختل می‌سازد، برخورد شود؛ اصل ۴۸ قانون اساسی نیز بر این مسأله تأکید می‌کند. هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل شدن نظم جامعه منجر شود؛ ممنوع است. برای مثال با این که بهره‌برداری از مشترکات و مباحات در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده است، هر گاه بر اثر ازدیاد جمعیت و فراوانی استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود یا آسیب جدی بیند و در نتیجه، نظام بهره برداری از آن مختل شود، این آزادی مشروع، محدود می‌شود. در ماده ۴۴ قانون اساسی ضمن برشمردن انواع مالکیت به این نکته اشاره شده است. بنابر آنچه ذکر گردید؛ دولت جهت برقراری اصول فوق الذکر با رعایت مصلحت و در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب، باید به قانونگذاری و تحدید آزادی اشخاص پردازد، طبیعی است که محدودیت آزادی افراد نیز باید سنجیده و در حد ضرورت باشد تا زمینه بهره برداری بهینه، مدبرانه و عادلانه از مواهب طبیعی را فراهم سازد.



اهداف پژوهش

۱- بررسی حدود حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی در فقه اسلامی و حقوق ایران.

اهداف فرعی

۱- بررسی مسئولیت مخرب محیط زیست و منابع طبیعی از منظر فقه اسلامی و حقوق ایران ۲- بررسی نقش سیاست زیست محیطی در رابطه با حفظ محیط زیست و منابع طبیعی

۳- بررسی «سیاست زیست محیطی» کارآمد، و نیازمند حمایت‌های اخلاقی و دینی

۴- بررسی نقش احادیث و روایت بر اخلاق زیست محیطی و حمایت از محیط زیست

جرایم زیست محیطی در دوران اسلامی

انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین، حق دارد از نعمت‌های الهی استفاده کند؛ اما این استفاده نباید آنچنان باشد که حق دیگران در بهره‌برداری از این نعمت الهی در خطر قرار گیرد. به عبارت دیگر، انسان همان‌گونه که حق استفاده و بهره‌مندی از محیط زیست سالم را دارد، مسئولیت درست استفاده کردن از آن را نیز بر عهده دارد. با نگاهی به وضعیت فعلی محیط زیست، در می‌یابیم که انسان‌ها در بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست به مسئولیت خود در حفظ و حراست از آن به درستی عمل نکرده‌اند. شاهد این سخن، بحران عظیمی است که محیط زیست دچار آن شده است. تخریب و نابودی روز افزون جنگل‌ها و مراتع، نابودی گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، آلودگی آب، خاک و هوا، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، ورود مواد نفتی و آلاینده‌های دیگر مانند: فاضلاب کارخانه‌ها و مجتمع‌های صنعتی به رودخانه‌ها و دریاها، آسیب دیدن لایه ازن، باران‌های اسیدی، مصرف روز افزون سوخت‌های فسیلی، استفاده بی‌رویه از سموم دفع آفات نباتی و ده‌ها عامل آلوده‌کننده دیگر که نام بردن از آن‌ها فقط بر تلخ‌کامی و ناراحتی انسان می‌افزاید گویای این واقعیت مهم است که بشر در داد و ستد خود با محیط زیست، راه خطرناک و مهلکی را در پیش گرفته که نتیجه آن چیزی جز به خطر افتادن سلامت و حیات انسان و دیگر موجودات نخواهد بود. اندکی تأمل و تفکر در آمارهایی که همه روزه در مورد وضعیت محیط زیست بیان می‌شود، کافی است تا انسان خود را بر لب پرتگاهی احساس کند که ساخته و پرداخته خود اوست. اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول و جامع‌نگر، مدعی است که پاسنگوی نیازهای متغیر انسان در هر



عصری است و برای کلیه روابط و شؤون او، دارای قوانین و مقرراتی است. البته این بدان معنا نیست که برای هر موضوع با عنوان خاص و متداول امروزی آن، حکم خاصی را مقرر داشته باشد؛ بلکه کلیات، اصول و قواعدی در اسلام وجود دارد، که می‌توان حکم هر موضوع را از آن به دست آورد. یکی از همین موضوعات محیط زیست است. محیط زیست با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است؛ اما می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می‌توان یک مکتب زیست محیطی جامع را ارائه کرد. (گرجی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۵)

نظارت بر جرایم زیست محیطی در اوایل اسلام

«در زمان پیامبر گرامی اسلام (ص)، آن حضرت شخصاً نسبت به عرضه و فروش مواد غذایی نظارت می‌کردند و این مسأله در زمان خلفا نیز ادامه یافت و به مرور زمان، تشکیلات متمرکزی به نام «حسبه» برای جلوگیری از تخلفات در زمینه های مختلف تشکیل شد. در مورد تاریخ پیدایش تشکیلات حسبه اختلاف نظر وجود دارد. اما بسیاری از تاریخ‌دانان پیدایش حسبه به عنوان یک نهاد حکومتی منظم و معین را، به اوایل دوران خلفای عباسی نسبت می‌دهند.» (صرامی، ۱۳۷۷، ص ۴۴)

وظیفه سازمان حسبه در اعصار خلافت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر در مراتب مختلف و به مفهوم وسیع آنها (که شامل مکروهات و مستحبات شرعی و عرفی می‌شد) بود. حسبه در سال‌های خلافت اسلامی از تشکیلات اداری ساده و بسیطی برخوردار بود و زیر نظر و اشراف شخص خلیفه اداره می‌شد و چه بسا شخص خلیفه یا امام تصدی اکثر وظایف آنرا به عهده می‌گرفت. (متظری، ۱۴۰۹، ص ۲۵۹)

نویسنده کتاب «الاحکام السلطانیه» در تعریف حسبه می‌نویسد:
«حسبه عبارت است از امر به معروف وقتی که انجام کارهای نیک و پسندیده در جامعه به دست فراموشی سپرده شود و نهی از منکر وقتی که ارتکاب کارهای بد در اجتماع شیوع یابد.» (ماوردی، ۲۸۴) و «محتسب به شخصی گفته می‌شد که شخص امام و یا نایب او را برای نظارت در احوال مردم و کشف امور و مصالح عمومی آنان از قبیل معاملات و خرید و فروش و غذا و لباس و آب و مسکن آنان و امور مربوط به راه‌ها از جهت امنیت و غیره تعیین و نصب کرده باشد.» (ابن اخوه، ۱۹۳۷، ص ۱۸۶)

بررسی تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که پیامبر اسلام (ص) شخصاً امور حسبه را به عهده داشتند و وظایف محتسب را انجام می‌دادند که به عنوان نمونه به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:



«از امام محمد باقر (ع) نقل شده است که روزی رسول خدا (ص) در بازار مدینه گندمی را دید به فروشنده آن فرمود: تو خائن و متقلب بر مسلمانان هستی.» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۲)

در روایت دیگری نقل شده است که حضرت به گندم فروشی برخورد، که گندم‌هایی را برای فروش عرضه کرده است. چون دست خود را در گندم‌ها فرو برد ملاحظه کرد که گندم‌های زیرین خیس و مرطوب است، پس خطاب به آن مرد فرمود: هر کس تقلب کند از ما نیست.»

علاوه بر این پیامبر اسلام (ص) در برخی موارد اشخاصی را برای انجام وظایف حسب مشخص می‌کردند به عنوان مثال پس از فتح مکه، آن حضرت سعید بن سعید بن عاص را به نظارت در امور بازار و کسب و کار بازاریان مکه گماشتند. (منتظری، حسینعلی، منبع پیشین، ص ۲۶۵)

حضرت علی (ع) نیز شخصاً نظارت بر معاملات و امور بازار را به عهده داشتند و به عنوان نمونه نقل شده است که آن حضرت در حالی که تازیانه ای به دست می‌گرفت در بازارها به راه می‌افتاد و کسانی را که در خرید و فروش مسلمین کم فروشی یا تقلب می‌کردند، با آن تازیانه می‌زد.

چنان که گفتم سازمان حسب به عنوان یک تشکیلات منظم و با وظایف مشخص به مرور زمان پدید آمد و بر حیطه وظایف و اختیارات آن افزوده شد تا جایی که در قرون بعد به صورت یکی از ارکان حکومت‌های اسلامی درآمد وظایف حسب در این دوران بسیار متنوع و مختلف بود. نویسنده کتاب «معالم القربه فی احکام الحسبه» طی هفتاد باب به تشریح و توضیح وظایف محتسب در زمینه‌های مختلف از قبیل رسیدگی به کار بازار، کوی و برزن، خرید و فروش، منع از تقلب کسبه و اصناف و نظایر آن پرداخته است.

نکته جالب توجه این که بسیاری از مقررات بهداشتی و درمانی و دارویی که امروزه در کشورهای مختلف مقرر گردیده و جرایمی که در این زمینه وضع شده در سازمان حسب مورد توجه بوده و محتسبان نظارت بر این امور را از وظایف اصلی خود می‌دانستند. به طور خلاصه اهم صلاحیت حسب به این شرح بود:

۱- حفظ نظم و امنیت شهر و جلوگیری از تجاوز به مال و عرض و جان و حیثیت مردم.

۲- نظارت بر معاملات و داد و ستد و جلوگیری از معاملات خلاف قانون و مضر حال مردم.

۳- دستورات مربوط به حفظ نظافت شهر و جلوگیری از آلودگی کوچه‌ها و خیابان‌ها.

۴- نظارت بر اوزان و مقادیر.

۵- تأمین آذوقه شهر و جلوگیری از احتکار.

۶- نظارت بر طرز ساختن ابنیه و نظارت بر اماکن عمومی.



۷- نظارت بر امور اصناف و پیشه‌وران (جعفری لنگرودی، ص ۱۰۵)

ابن اخوه دربارهٔ حسبه بر نان پزان می‌نویسد: «محتسب به آنان دستور می‌دهد که دکان‌های خود را تمیز کرده و تنور، ماله و آب آن را نظیف نگاه دارند و ظروف و قدح‌ها را پاکیزه شستشو دهند. و محتسب باید مراقب باشد که آنها در پختن نان غش نکنند و ظاهر نان را با مواد رنگی نظیر زعفران و رنگ‌های مصنوعی زینت نکنند.» (ابن اخوه، منبع پیشین، ص ۹۲)

دربارهٔ اغذیه‌فروشان و شیرینی‌پزان نیز وظیفهٔ محتسب آن است که کیفیت ساخت و پخت آن را زیر نظر داشته باشد تا کار خود را به نحو احسن انجام دهند و از غش و خیانت بپرهیزند و همواره موازین سلامت و صحت و نظافت را در شغل خود مراعات کنند.

و در باب بیست و چهارم از کتاب معالم القربه دربارهٔ حسبه بر داروسازان می‌خوانیم:

«تدلیس و تقلب در این زمینه بسیار زیاد است زیرا گیاهان دارویی و شربت‌های حاصله از آن از جهت طبیعت و مزاج گوناگون است و درمان با آنها متناسب با خصوصیات ترکیبی آنهاست بر محتسب لازم است که آنان را بیم دهد و از مجازات و تعزیر بترساند و در فرصت‌های مختلف بدون این که از قبل در جریان باشند داروهای آنها را مورد آزمایش قرار دهد.» (همان، منبع، ص ۱۱۵)

محتسب همچنین مراقبت در کار اطباء و داروسازان می‌کرد تا این اصناف در کار خود تخلف نکرده و از راه درست منحرف نگردند. محتسب موظف بود تا تنها کسانی که معلومات و تجربیاتی در کار دارو دارند به این حرفه اشتغال ورزند و نیز عهده دار بود که سازندگان داروها را به ترس از خدا و مکافات الهی و مجازات‌های فوری متذکر کند.

روایات و آیاتی از قرآن کریم راجع به اهمیت حفظ محیط زیست

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»^۱

یعنی: ما در این کتاب از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم.

در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»^۱

^۱ - انعام/سوره ۶، آیه ۳۸.



یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن هست.

امام صادق علیه‌السلام نیز بر جامعیت اسلام تأکید کرده و می‌فرماید: خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که مورد نیاز مردم بوده، رها نکرده است، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است. «ان الله تبارک و تعالی انزل فی القرآن تبیان کل شیء...» (محمد بن یعقوب الکلینی، ۱۴۱۱، ص ۱۱۳)

از امام باقر علیه‌السلام نیز روایت شده که فرمودند:

خداوند متعال چیزی را که مورد نیاز این امت است، در کتابش فروگذار نکرده است و برای رسولش تبیین نموده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیل روشنی بر آن نهاده است و برای هر کسی که از این حد تجاوز کند، حدّ و مجازاتی قرار داده است.

بر طبق این آیات و روایات، بخوبی می‌توان استدلال کرد که بیان هر چیزی در قرآن هست؛ ولی با توجه به این مطلب، که قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است، که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است، روشن می‌شود که منظور از «همه چیز»، تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است. (شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱)

به طور قطع، یکی از اموری که زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است؛ که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش پردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان‌پذیر نیست. بدین سبب، شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد.

از آن‌جا که انسان به عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آن‌ها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است؛ (محمد ربانی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳)

۱ - نحل/سوره ۱۶، آیه ۸۹



با نگاهی به متون دینی - و از جمله قرآن کریم - می‌توان دریافت که محیط زیست و تلاش برای به حفظ و حمایت از آن، برای بهره‌مندی بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است.

آیات متعددی در قرآن بر این مسأله دلالت دارند. این آیات چند دسته هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

آیاتی از قرآن که محیط زیست را حق همگانی می‌داند.

این دسته از آیات بیان می‌کنند که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسانها در همه زمانها وجود دارد. (ابوالقاسم گرجی، پیشین، ص ۱۱۵)

خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۱

یعنی: و اوست آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید.

این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسانها، در همه زمانها می‌داند؛ که باید به‌طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسانها در همه دوره‌ها صورت پذیرد.

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید:

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»^۲

یعنی: شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.

این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم شده است. روشن است که داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند نیز، پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده است.

^۱ - بقره/سوره ۲، آیه ۲۹.

^۲ - اعراف/سوره ۷، آیه ۱۰.



در آیه ۱۰ سوره الرحمن^۱ آمده است:

«وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»

یعنی: و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد.

بر مبنای این آیه کریمه، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که، هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی پدید آید، در مقابل آن تکلیفی نیز خودنمایی خواهد کرد. به عبارت دیگر حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند. اگر استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده؛ این حق، تکلیفی نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان، وظیفه دارد به گونه‌ای از حق خود استفاده کند که به حقوق دیگران لطمه‌ای وارد نکند. بر همین اساس، اگر انسان از محیط زیست استفاده می‌کند، باید استفاده او، به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نشود.

در دسته‌ای از آیات قرآن، خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آن‌ها برای انسان تأکید می‌کند.

در سوره نحل خداوند می‌فرماید:

«وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعُ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ»^۲

یعنی: چهارپایان را آفرید که برای شما از آن‌ها گرما (جامه‌های گرم) و سودهای دیگر فراهم می‌آید و از آن‌ها می‌خورید.

در همین سوره خداوند همچنین می‌فرماید:

^۱ - الرحمن /سوره ۵۵، آیه ۱۰.

^۲ - نحل /سوره ۱۶، آیه ۵.



«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...»^۱

یعنی: اوست (خدایی) که از آسمانها آب فرستاد که از آن می‌آشامید و بدان درخت و گیاه می‌روید، که در آن (روییده‌ها)، دام‌های خود را می‌چرانید.

و در آیه بعد می‌فرمایند:

«يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»^۲

یعنی: و با آن برایتان کشتزارها و درختهای زیتون و خرما و انگور و همه گونه محصول می‌رویانند.

در سوره نمل نیز خداوند می‌فرماید:

«وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ»^۳

یعنی: برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستانهایی شادانگیز رویانیدیم.

این دسته از آیات که در قرآن فراوان هستند، همه یک پیام دارند و آن این‌که آنچه از عناصر محیط زیست در روی زمین است، برای انسان‌هاست و همه انسانها حق دارند از این الطاف الهی بهره‌مند شوند و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق خدادادی را از آنها سلب کند.

تعبیراتی نظیر: «لکم (برای شما)»، «الناس (مردم)» و «الانام (همگان)»، آشکارا بر این مطلب دلالت دارند، که این نعمت‌ها، برای همه مردم و حق همه آنهاست - صرف‌نظر از هرگونه عاملی، همچون مذهب، جنسیت، تابعیت و... - و همه حق دارند تا از این نعمت ارزشمند الهی بهره‌مند شوند و در پناه آن، زندگی سالم و امنی داشته باشند.

دسته‌ای از آیات قرآن هستند که در آنها از واژه «تسخیر» در مورد عناصر محیط زیست برای انسان‌ها به کار رفته است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگلها و سبزه‌زارها، حیوانات و

^۱ - نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۰.

^۲ - نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۱.

^۳ - نمل/سوره ۲۷، آیه ۶۰.

سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در خدمت انسان در آورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه آن‌ها بهره برده و زندگی سعادت‌مندی را داشته باشد.

در فرهنگ قرآن، واژه تسخیر به دو معنی آمده است: یکی در خدمت منافع و مصالح انسان بودن مانند تسخیر خورشید و دیگری زمام اختیارش در دست بشر بودن مانند دریاها و بسیاری از موجودات زمین. (شیرازی ص ۳۵۶، پیشین، ج ۱۰)

برای این‌که حق انسان در استفاده و بهره‌برداری از طبیعت را در این قسم از آیات بیان کنیم، به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

خداوند در سوره نحل می‌فرماید:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...»^۱

یعنی: خداوند، خورشید و ماه را مسخر شما ساخت.

و در سوره دیگر چنین می‌فرماید:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ...»^۲

یعنی: خداوند، شب و روز را برای شما تسخیر کرد.

و در جای دیگر اشاره می‌کند:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...»^۳

یعنی: آیا ندیدید که خداوند آنچه در آسمانها و زمین است، مطیع شما کرد.

در جای دیگر نیز، خداوند با مضامین مشابه قبل می‌فرماید:

۱ - ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۳۳.

۲ - نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۲.

۳ - لقمان/سوره ۳۱، آیه ۲۰.

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ...»^۱

یعنی: آیا ندیدی خداوند آنچه را در زمین است، مسخر شما ساخت.

و موارد فراوان دیگری که بر همین معنا دلالت دارند.^۲

استاد شهید مرتضی مطهری، در مورد این آیات می‌فرماید:

«در قرآن از مسخر کردن ماه، خورشید، شب، روز، دریا، نهرها، کوه‌ها، باد و هر چه در آسمان و زمین است، یاد شده است. بدیهی است که در همه این موارد، مقصود این است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان و مورد استفاده و بهره‌برداری انسان هستند.» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۵۷)

از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسانها در همه دوران‌هاست. بنابراین، در مقابل حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه‌ای نیز بر عهده او گذاشته است که آن، حفظ و حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره‌مند شود. بنابراین، اگر در استفاده از این امکاناتی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده‌روی کند، بر خلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه‌اش به خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت خواهد بود.

به عنوان مثال، علم و فناوری، مهمترین ابزار تصرف انسان در طبیعت است. تلاش علمی و به کارگیری فناوری در طبیعت و محیط زیست برای این است، که انسان بتواند از محیط زیست و طبیعت، جهت فراهم آوردن یک زندگی سعادت‌مندانه همراه با امنیت و آرامش استفاده کند؛ اما اگر انسان در استفاده از علم و فناوری برای تصرف در محیط زیست زیاده روی کند، ثمره‌ای جز مقهوریت و مغلوبیت او در مقابل سلطه زندگی ماشینی و صنعتی نخواهد داشت. این همان چیزی است که امروزه شاهد آن هستیم و به‌طور قطع هم خلاف دستورات و تعالیم اسلام است؛ زیرا اسلام، تسلط بر طبیعت را می‌خواهد، اما زیاده‌روی در این امر

^۱ - حج/سوره ۲۲، آیه ۶۵.

^۲ - حج/سوره ۲۲، آیه ۳۶.

^۳ - نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۴.



باعث شده که کار از دست انسان خارج شود؛ به گونه‌ای که سلامت، امنیت و انسانیت او در میان پیچ و مهره‌های این زندگی صنعتی و ماشینی گم شده است. (باهنر، ۱۳۷۸، ص ۸۷).

با این همه، تصرف در محیط زیست باید به گونه‌ای باشد که انسان را در جهت دستیابی به حیات طیبه و توسعه متعادل که ضامن ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند. (ربانی محمد، پیشین، ص ۲۳۳) به عبارت دیگر، تصرف در محیط زیست باید به شیوه‌ای باشد که آدمی را به غایت و هدف خلقت برساند. بدین جهت، استفاده از آن به طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن این که این نعمت‌ها وسیله‌اند نه هدف، خود باعث گمراهی و انحراف انسان از مسیر حق خواهد بود. انسان به عنوان موجودی مختار، باید به این واقعیت تن دهد، که زمین همان‌گونه که محل رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل روحی و معنوی او نیز باشد؛ و چون اسباب و مقدمات تکامل روحی‌اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به شیوه‌ای عالمانه و مدبرانه از محیط زیست، برای این هدف متعالی استفاده کند؛ زیرا رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون بهره‌مندی از محیط زیستی امن و سالم امکان‌پذیر نخواهد بود. (صادق اصغری، پیشین، ص ۹۲)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی، و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی، و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی، برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی، و تعبد به عدم اضرار به غیر را، فراهم آورده است.» (مقام معظم رهبری، پیشین، ص ۴)

بنابراین، تصرف انسان در طبیعت و محیط زیست مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه مقید به چارچوب‌هایی است که باید آن‌ها را رعایت کند. از جمله: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسل‌های آینده. عواملی همچون ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که می‌تواند رابطه‌ای مسالمت‌آمیز بین انسان و محیط زیست برقرار کرده و به سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست منجر شود.

بر همین اساس، در قرآن کریم، خداوند همان طور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در سوره هود آمده است:

«هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»^۱

^۱ - هود/سوره ۱۱، آیه ۶۱.



یعنی: خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما واگذاشت.

از این آیه استفاده می‌شود که محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان است و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است.

نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد آن است که قرآن نمی‌گوید، خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت؛ بلکه می‌فرماید: عمران و آبادانی زمین را به شما واگذار کرد. پس انسان مسؤلیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد و مفهوم آیه این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود. (شیرازی و دیگران، پیشین، ص ۱۵۱)

قرآن کریم بارها بر رفتارهای سازنده و اصلاح‌گرانه تأکید کرده - که به‌طور قطع، یکی از رفتارهای اصلاح‌گرانه در زمین حفظ و حراست از طبیعت و محیط زیست است - و در مقابل، از رفتارهای فسادانگیز نهی کرده است. در قرآن کریم در بسیاری موارد، واژه «صلاح» در مقابل «فساد» آمده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...»^۱

یعنی: و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید.

بدون شک، تخریب، نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فسادانگیز در زمین است. همانگونه که در آیه بالا هم آمده است، در بسیاری از آیات قرآن، واژه «فساد» همراه با «فی الارض» آمده است که این فساد در زمین، شامل فساد در طبیعت و محیط زیست نیز خواهد بود. به همین جهت، قرآن کریم با بیان عناصر محیط زیست و طبیعت، تخریب و نابودی آن‌ها را مصداق بارز فساد می‌داند و خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»^۲

^۱ - اعراف/سوره ۷، آیه ۵۶.

^۲ - بقره/سوره ۲، آیه ۲۰۵.



یعنی: هنگامی که روی بر می‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند، (با این که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.

وظیفه حکومت اسلامی نسبت به تامین سلامت محیط زیست

نظام اسلامی وظیفه رسمی والی را چنین ترسیم نموده است: «أیما إمرء ولی من أمر المسلمین شیئاً لم یحطهم بما یحوط نفسه لم یر رائحه الجنة»^۱ هر کس سمتی را در دولت اسلامی به عهده بگیرد و مسئول بخشی از بخش‌های حکومت دینی گردد، موظف است هر آنچه را که برای حفظ حیات، سلامت، حیثیت اجتماعی و مانند آن، نسبت به خود به کار می‌برد، برای توده مردم نیز تامین کند. اگر خود از بهداشت و محیط سالم برخوردار است، موظف است آن را برای تمام شهروندان فراهم نماید. از اینجا معلوم می‌شود که اگر دولت یا ملتی عمداً به فضای سبز و سالم و نشاط آور نیندیشند و از آلاینش آن پرهیز نکنند و منطقه زرین خداداد طبیعت را آلوده نمایند یا در قبال آلوده کردن صاحبان کارگاه‌های سودجو، مهر بی‌مهری بر لب زنند و خاموش شوند، مشمول قهر خدای قاهر شده، قعر دوزخ جایگاه آنان خواهد بود. البته چنان قهری، چنین قهری را به دنبال دارد، لذا رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ثلاث ملعون من فعلهن؛ المتعوط فی ظلّ النّزال، و المانع الماء المتتاب و سادّ الطریق المسلوک»^۲؛ سه گروه‌اند که در اثر سه کار ناروا مورد لعنت خداوند سبحان هستند:

۱. کسی که مکان عمومی، سایه بانها، پارکها، محل نزول مسافران و ... را آلوده کند.

۲. کسی که آب نوبه ای را به غصب ببرد؛ یعنی رعایت نوبت حقوق شهروندان نکند.

۳. کسی که سدّ معبر کند و مانع عبور عابران شود.

رفتار رهبران الهی همتای گفتار آنان، برای ترغیب دولت و ملت به رعایت اصول زیست محیطی انجام می‌شد، لذا حضرت امام سجاد (علیه السلام) اگر کلوخی را در معبر می‌دیدند، از مرکب پیاده می‌شدند و آن را از راه، دور می‌کردند که مزاحم رهگذر نشود.

۱- نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۹۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۵.



حضرت مسیح (علیه السلام) از کنار گوری می‌گذشت و صاحب آن قبر را معذّب دید. سال بعد، هنگام عبور از کنار آن گور، صاحب آن را در غذاب ندید. پرسید: خدایا! عامل رفع عذاب او چه بود؟ فرزند او بزرگ شد و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، لذا از گناه او صرف نظر شد.^۱

جرایم زیست محیطی در حقوق موضوعه ایران

در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی عبارت «از قبیل» نشان دهنده این می‌باشد که مصادیق مذکور در این ماده تمثیلی است و شامل اعمالی نظیر ریختن زباله در بیابان، آلودگی صوتی، آلودگی جنگل‌ها، کوه‌ها، مراتع، یخچال‌ها و تمامی منابع طبیعی می‌باشد. لذا سعی کردیم در این جا به بررسی مصادیق دیگری از آلودگی بهداشت محیط زیست بپردازیم. تبصره یک این ماده بیان می‌دارد: تشکیل اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیر مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت و محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

از ظاهر ماده این استنباط می‌شود که اعلام جرم و تشخیص جرم بودن آن، بر عهده این چند نهاد است، اما با توجه به عدم ذکر ماده ۶۸۸ در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی جدید به عنوان جرم قابل گذشت، این جرم می‌تواند توسط سایر افراد نیز مورد شکایت قرار گیرد و حتی مراجع قضایی بدون وجود شکایت نیز قادر به تعقیب مرتکب جرم می‌باشند. این بدین معنی است که اگر فرد یا افرادی جرایم تهدید علیه محیط زیست را گزارش نمایند، دادگاه ملزم به رسیدگی می‌باشد. زیرا این جرم جنبه عمومی دارد و برای حفظ منافع عمومی باید اهمیت ویژه‌ای برای این مقوله قائل شد.

عناصر تشکیل دهنده جرم

در این فصل عناصر تشکیل دهنده جرم تهدید علیه بهداشت عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین عنصر جرم بودن یک عمل آن است که از طرف قانونگذار به عنوان جرم، پیش بینی شده و مجازات مشخصی برای آن مقرر شده باشد. ریشه این عنصر را باید در اصل «قانونی بودن جرائم و مجازات-ها» جستجو کرد و براساس این اصل هیچ عملی جرم تلقی نمی‌شود مگر آن که آن عمل به موجب قانونی از

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۹.



قبل تدوین شده، جرم شناخته شده باشد. بنابراین طبیعی است که نمی‌توان اعمال مقدم بر وجود قانون را مجرمانه تلقی کرد. (نوربها، رضا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸)

تا زمانی که افکار باطنی افراد و مقاصد مجرمانه آنان از مرحله تفکر و اندیشه خارج نگردیده و جنبه خارجی و مادی به خود نگرفته نمی‌توان گفت که جرمی واقع شده است. بنابراین برای تحقق یک جرم لازم است افکار و اندیشه‌های مجرمانه شخصی از حالت فکر و تصمیم خارج گردیده به مرحله عمل درآید. تظاهر خارجی و مادی اندیشه بزهکارانه را می‌توان به رفتار مجرمانه تعبیر کرد که این رفتار انواع گوناگون دارد. رفتار مجرمانه غالباً به شکل مثبت (فعل) و یا منفی (ترک) می‌باشد.

۱- رفتار مجرمانه مثبت (فعل)

رفتار مجرمانه غالباً به صورت مثبت (فعل) مورد نهی قانونگذار قرار گرفته و مجازاتی برای آن مقرر شده است در این موارد عنصر مادی عبارت است از اقدام به امری که مقنن منع کرده است بنابراین عنصر مادی یک فعل مثبت می‌باشد. این فعل مثبت غالباً با فعالیت فیزیکی بزهکار مانند رفتار، گفتار، نوشته‌ها و مانند آن همراه است.

عنصر مادی برخی از جرایم به صورت نگهداری یا داشتن یک حالت می‌باشد. غالب نویسندگان حقوق جزا این قسم از جرایم را نیز داخل در جرایم فعل دانسته و گفته‌اند: رفتار مجرمانه مثبت (جرم فعل) لزوماً همراه با یک فعالیت فیزیکی نیست مثلاً در مواردی که عمل مثبت به صورت داشتن یک حالت یا نگهداری یک شیء است هر چند یک فعالیت فیزیکی از مرتکب بروز نکرده اما با توجه به این که مرتکب دست به کاری زده است که مورد نهی قانونگذار بوده لذا جرم تحقق یافته است. (همان منبع ص ۱۸۶)

برخی از نویسندگان نیز نگهداری و داشتن حالت را در کنار فعل و ترک فعل ذکر کرده و آن را خارج از جرم فعل دانسته‌اند. به نظر می‌رسد اختلاف نظر فوق تنها جنبه علمی و کلاسیک دارد و فاقد فایده عملی است چرا که نگهداری و داشتن در برخی از جرایم به عنوان عنصر مادی جرم پذیرفته شده و تردیدی در آن وجود ندارد و مشخص کردن جایگاه آن در میان عناصر مادی فایده عملی ندارد.

۲- رفتار مجرمانه منفی (ترک فعل)

قصد مجرمانه در اصطلاح حقوق جزا عبارت است از میل و خواستن قطعی و منجز به انجام عملی و یا ترک عملی که قانون آن را نهی کرده است و خطای جزایی عبارت است از رفتاری مبتنی بر بی‌احتیاطی، بی-مبالاتی، غفلت و سهل‌انگاری که نتیجه آن، اعمال مجازات برای مرتکب آن است. با توجه به تعریف «قصد»



می‌توان جرایم عمدی را از جرایم غیرعمدی تفکیک کرد. جرایم عمدی جرایمی هستند که مجرم با قصد منجز مجرمانه یعنی با میل و اراده خود مرتکب عملی می‌شود که قانون آن را نهی کرده یا فعلی را ترک می‌کند که به موجب قانون انجام آن عمل لازم دانسته شده است.

به عبارت دیگر جرایم عمدی جرایمی هستند که مرتکب با قصد و اراده، فعل مجرمانه را انجام می‌دهد و نتایج عمل خود را هم خواستار می‌شود. در مقابل، جرایم غیرعمدی جرایمی هستند که در آنها قصد مجرمانه به شکلی که یاد شد وجود ندارد و غالباً یک خطای جزایی به عنوان عنصر معنوی جرم وجود دارد. به بیان دیگر در جرایم غیرعمدی هر چند مرتکب، اراده انجام عمل دارد ولی نتیجه حاصله از آن را نمی‌خواهد و گاهی حتی این نتیجه را پیش بینی نمی‌کند. حقوقدانان، مصادیق متعددی برای خطای جزایی برشمرده‌اند که از جمله می‌توان بی‌احتیاطی، بی‌مبادلاتی، غفلت، سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی را نام برد.

عنصر قانونی

منظور از عنصر قانونی جرم، شناختن یک عمل به عنوان یکی از جرایم در قانون جزا می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۱۱) عنصر قانونی جرایم ریشه در اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها داشته و جزئی از آن می‌باشد. اصل قانونی بودن بر مبانی مختلفی استوار است. در سیاست جنایی یعنی سلسله تدابیری که برای پیشگیری از جرم اتخاذ می‌شود، ضرورت این اصل به دلیل تأثیری که بر عواقب رفتارهای سوء افراد به جا می‌گذارد، آشکار است و موجب می‌شود که انسان دانسته و سنجیده در اعمال و افعال خود گام بردارد و از پیش، پیامد آن را پیش‌بینی کند. از سوی دیگر حفظ حقوق و آزادی‌های مردم اقتضا می‌کند که همواره از تجاوز و تعدیات کارگزاران حکومتی در امان باشند. بنابراین وجود قوانینی ثابت که در پناه آن شهروندان بتوانند آزادانه و بدون هراس مناسبات خود را گسترش و سازمان دهند شرط تضمین این حقوق و آزادی‌هاست. اصل قانونی بودن جرم و مجازات در اجرای صحیح عدالت نیز بی‌تأثیر نیست زیرا عدالت اقتضا می‌کند که همه در برابر قانون برابر باشند و وجود قوانین ثابت شایبه هرگونه غرض‌ورزی و جانب‌داری را برطرف می‌کند. پس به‌طور کلی یکی از مبانی مهم این اصل، اصل آزادی است زیرا حرمت کرامت انسانی حکم می‌کند که حریم آزادی‌های او محفوظ باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لزوم قانونی بودن جرم را در اصل ۱۶۹ به رسمیت شناخته است. این اصل بیان می‌کند: «هیچ فعل با ترک فعلی، به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.»



ذکر این مطالب در ق.ا و ق.م.ا به این معنی است که نه تنها دادرسان از تعیین جرم و مجازات منع شده‌اند و احکام آنان باید مستند به قوانینی باشد که در زمان وقوع معتبر است بلکه قانون‌گذاران نیز نمی‌توانند با وضع قوانین عادی تشخیص اعمال مجرمانه و یا تعیین نوع و میزان مجازات را به اختیار دیگر قوا و مقامات واگذار کنند. بنابراین تعبیر دیگر اصل قانونی بودن جرم و مجازات این است که فقط قانون‌گذار صالح است در حدود مقرر در ق.ا به تشریح جرم و تعیین مجازات پردازد زیرا وظیفه وضع قانون به موجب ق.ا با مجلس قانون‌گذاری است. عنصر قانونی جرائم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست در حقوق ایران قوانین و مقرراتی هستند که، در آنها فعل یا ترک فعل موجب ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست شده است و برای مرتکب یا مرتکبین نیز حسب مورد، مجازات تعیین شده است. در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.» با استفاده از عبارت این ماده می‌توان گفت که جرم زیست محیطی تهدید علیه بهداشت عمومی، همان جرم عام آلودگی محیط زیست است. البته قانونگذار در تبصره یک ماده با استفاده از واو عطف میان تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست آنها را جمع کرده است تا نشان دهد که هدف او از حمایت از بهداشت عمومی، در حقیقت حمایت از محیط زیست است. در ابتدا این تبصره آمده است: «تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود...».

همچنین از عبارت «از قبیل» که در صدر ماده آمده است مشخص است که مصادیق مذکور در ماده تمثیلی است. بنابراین می‌توان گفت هر عملی که به تشخیص وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست، بهداشت عمومی را تهدید نماید و یا محیط زیست را آلوده نماید مشمول این ماده خواهد بود. مگر اینکه مرتکب مشمول قانون خاص دیگری گردد. نتیجه اینکه این ماده را می‌توان، ماده عام جرائم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست دانست. مهمترین قوانین و مقرراتی که رکن قانونی این جرم زیست محیطی به شمار می‌آیند عبارتند از:

۱- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا و اصلاحی آن



۲- قانون شهرداری

۳- قانون مجازات اسلامی

۴- قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار مصوب ۱۳۲۰.

۵- قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳.

۶- آیین نامه بهداشت

۷- آیین نامه اجرایی قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۹

۸- آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳

ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، ریختن زباله در خیابان‌ها را به عنوان یکی از اشکال تهدید علیه بهداشت عمومی (محیط زیست) دانسته و آن را به منزله یکی از مصادیق این جرم بر شمرده است.

در ماده ۲۴ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا که مهمترین رکن قانونی این جرم محسوب می‌شود از این جرم به شکل جداگانه نام برده شده است. در این ماده سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و نیز هر گونه نخاله در فضای باز و معابر عمومی ممنوع (جرم) اعلام شده است. دلیل آن که این قانون از جرم آلودگی ناشی از زباله (آن هم به شکل جداگانه) نام برده است آن است که، سوزاندن زباله و آلودگی ناشی از آن اثر ناگوار مستقیمی بر وضعیت و کیفیت هوا خواهد گذارد. به عبارت دیگر، نتیجه این جرم به معنای تحقق آلودگی هوا نیز خواهد بود.

نتیجه گیری

در دین مبین اسلام در کنار دستورات عبادی و فقهی، در زمینه بهداشت و نظافت نیز تعلیمات فراوانی به چشم می‌خورد علاوه بر تأکید دین اسلام بر رعایت نظافت و بهداشت، پیشوایان معصوم نیز با کردار و رفتار خود عملاً مشوق این صفات حسنه بودند. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که دستورات بهداشتی و نیز تعلیمات دین اسلام در مورد درمان بیماران و پیشگیری از بیماری‌ها غالباً جنبه اخلاقی دارد و به صورت آداب و اخلاق اجتماعی یا فردی در کتاب های اخلاق ذکر شده است. به عبارت دیگر جرایم



بهداشتی، درمانی و دارویی در حقوق جزای اسلامی به تصریح بیان نشده و مجازات مشخصی نیز برای آن تعیین نشده است. بر همین اساس امروزه نیز این جرایم در شمار جرایم تعزیری قلمداد می‌شود. با وجود این، به دلیل اهمیت مسأله بهداشت و سلامت جامعه و نیز امر درمان و مداوای بیماران، نظارت بر این امور از صدر اسلام مورد توجه خلفا و زمامداران اسلامی قرار گرفت.

بررسی سابقه قانون‌گذاری در خصوص مسائل زیست محیطی در کشورها حاکی از آن می‌باشد که اولین قوانین و مقررات مرتبط مانند مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ (قانون شکار مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴) و قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶) صرفاً در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که بطور نسبی در خصوص کلیه ابعاد محیط زیست که تغییرات ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت به تصویب رسید قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ می‌باشد خودداری نمایند.

قوانین و مقررات متعدد و پراکنده‌ای در خصوص جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست وجود دارد و ماده عام آن ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی است.

جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست اصولاً ناشی از فعل و رفتار مثبت مجرمانه هستند و تنها در موارد اندکی ناشی از ترک فعل می‌باشند.

جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست عمدتاً در گروه جرایم عمدی قرار دارند و وقوع آنها به صورت غیر عمدی (شبه عمد و خطا) به ندرت مطرح خواهد بود.

جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست در اغلب موارد، عمدی مطلق و در موارد اندکی عمدی مقید است. دادگاه می‌تواند مجرمی که جرم تهدید علیه بهداشت عمومی را مرتکب شده است صدور حکمش را تعویق کند. زیرا مجازات ماده ۶۸۸ قانون مجازات از نوع درجه ۶ می‌باشد و ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی با بیان عبارت، «در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند ... صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد.» ما را به این رهنمون می‌سازد که قاعده تعویق صدور حکم را در ماده ۶۸۸ قانون مجازات نیز می‌توان اجرا کرد. مطابق بند «ت» ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی، جرایم تهدید علیه بهداشت عمدی طبق شرایط مقرر در این ماده، شامل مرور زمان می‌شود.

مطابق بند «ت» ماده ۱۳۷ قانون مجازات، مجازات معاون جرم تهدید علیه بهداشت عمومی که درجه شش است، یک تا دو درجه تقلیل می‌یابد و پایین تر می‌شود.



در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی عبارت «از قبیل» نشان دهنده این می‌باشد که مصادیق مذکور در این ماده تمثیلی است و شامل اعمالی نظیر ریختن زباله در بیابان، آلودگی صوتی، آلودگی جنگل‌ها، کوه‌ها، مراتع، یخچال‌ها و تمامی منابع طبیعی می‌باشد. لذا سعی کردیم در این جا به بررسی مصادیق دیگری از آلودگی بهداشت محیط زیست بپردازیم. تبصره یک این ماده بیان می‌دارد: تشکیل اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیر مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت و محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

با توجه به ماده ۳۸ ق.م.ا اگر شخصی که به محیط زیست آسیب رسانده در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله و ... بکوشد، و همچنین رعایت بندهای دیگر این ماده از مزایای تخفیف مجازات استفاده نماید. مطابق بند الف ماده ۳۷ مجازات حبس تا ۱ سال، به میزان ۱ تا ۳ درجه تقلیل می‌یابد. جرایم علیه بهداشت عمومی نیز در قسمت تعزیرات بیان شده است و چون به طور استثنایی مرجع رسیدگی کننده برای این جرم تعیین نشده، لذا دادگاه عمومی جزایی صالح به رسیدگی می‌باشد.

فهرست منابع

الف) کتب

۱- کتب فارسی

- اصفهانی، محمد مهدی (۱۳۹۰) «بازنگری در مفاهیم سلامت، بیماری، بهداشت، درمان و شفا با الهام از معارف اسلامی»، مجموعه مقالات سمینار.
- ابوالقاسم گرجی، (۱۳۶۳) اسلام و محیط زیست، مجله نور علم، ش ۴.
- اردبیلی، محمدعلی: (۱۳۷۹) حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- امام خمینی، (۱۳۶۲) طلب و اراده، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- باهری، محمد: (۱۳۸۱) حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات رهام، چاپ اول.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۷۶) حقوق کیفری محیط زیست، چاپ اول، تهران.
- دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، (۱۳۷۱) دبیرخانه دائمی سمینار.
- شامبیاتی، هوشنگ: (۱۳۸۰) حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات ژوبین، چاپ دهم.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۲) حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ سوم: تهران، ویستار.
- صانعی، پرویز: (۱۳۷۴) حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ ششم.



- عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۷) بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، میزان.
- معین، محمد؛ (۱۳۸۴) فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۲۲.
- ولیدی، محمد صالح؛ (۱۳۸۸) بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل.

۲- کتب عربی

- علی بن جمعه الحویزی، (۱۳۴۲) تفسیر نور الثقلین، دارالکتب العلمیه، ج ۳، قم.
- محمد بن یعقوب الکلینی، (۱۴۱۱) اصول الکافی، ج ۱، دار التعارف للمطبوعات.

ب: مقالات و نشریات

- محمد ربانی، بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸

ج: قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸
- قانون اخلاص گران در تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲
- قانون رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹
- قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱
- قانون راجع به متجاوزین به اموال عمومی و مردم اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰
- قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷
- قانون راجع به مجازات قطع و تخریب وسایل مخابرات و برق مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۹
- قانون راجع به تعقیب اشخاصی که بدون مجوز قانونی به منظور بهره‌گیری از آب و برق تأسیسات وزارت نیرو اقدام می‌نمایند بوسیله دادستانی کل انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۸
- قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، با اصلاحات سال ۱۳۸۱

د: منابع اینترنتی

- <http://www.wikipedia.org> قابل دسترسی در اینترنت به صورت آنلاین